

## موسیقی در کتاب العقد الفرید ابن عبدربه: جواز موسیقی، نوازندگان زن و مرد و انواع سازها

فریبا پات<sup>۱</sup>، زهرا حبیبی<sup>۲</sup>

(دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵، پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳)

### چکیده

بخش «الباقوتة الثانية في علم الالحن و اختلاف الناس فيه» در کتاب العقد الفرید، یکی از مهم‌ترین منابع آگاهی ما از بحث‌های مربوط به جایگاه موسیقی و وضع و حال موسیقیدانان و انواع سازها در دوره اموی و عباسی است. ابن عبدربه اندلسی از جمله دانشمندانی است که در این بخش از کتابش به سود موسیقی و هنرهای مرتبط با آن مثل نوازندگی و آوازخوانی رأی داده و بر نوع «موسیقی آوازی» مورد علاقه روزگار خود تأکید کرده است. وی ضمن معرفی هفتاد و هفت تن از موسیقی‌دانان زمان امویان و عباسیان که بیشتر آن‌ها مرد و جزو هنرمندان درباری بودند، روابط میان خلفا و هنرمندان را دوستانه به تصویر کشیده و شماری از سازهای رایج آن زمان را معرفی کرده است. در این مقاله کوشش شده است تا دیدگاه‌ها و استدلال‌های ابن عبدربه در باب موسیقی و نقش و جایگاه موسیقی‌دانان دوره‌های اموی و عباسی، به صورت تحلیلی و آماری بررسی شود.

**واژگان کلیدی:** ابن عبدربه، العقد الفرید، الباقوتة الثانية، موسیقی، سازها، دوره اموی، دوره عباسی.

۱. استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛  
f.pat@alzahra.ac

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران؛  
zahrahabibi1996@gmail.com

### مقدمه

موسیقی یکی از زمینه‌های اختلاف و موضوع قابل توجهی برای تضارب آراء موافقان و مخالفان در فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است. با وجود مخالفت‌های گاه سخت با آن، این هنر در کنار هنرها و فنون دیگر توجه درباریان و مردمان عادی را جلب کرد و پس از گسترش قلمرو اسلامی، موسیقی در این دوره با موسیقی دیگر ملل و سرزمین‌ها آمیخته شد و به سمت پیشرفت و دگرگونی پیش رفت. زان پس عالمان و هنرمندان کتاب‌ها و رساله‌هایی با موضوع موسیقی عملی و نظری، سازها، موسیقی‌دانان تألیف کردند. یکی از کتاب‌هایی که بخشی از آن به موسیقی اختصاص دارد، کتاب *العقد الفرید* نوشته احمد بن محمد ابن عبدربه، ادیب و شاعر و موسیقی‌دان اندلسی است.

ابن عبدربه در سال ۲۴۶ ق / ۸۶۰ م در قرطبه دیده به جهان گشود و در سال ۳۲۸ ق / ۹۳۶ م درگذشت. از او با نسبت‌های «مروانی» یا «اموی» هم یاد شده است (ابن خلکان، ۱۱۲؛ ابن فرضی، ۸۱-۸۲؛ ذهبی، ۱۵ / ۲۸۳). وی اولین کسی بود که شعر تعلیمی<sup>۱</sup> را در آندلس رواج داد (ابن دحیه، ۱۵۱؛ ابن ظافر، ۵۱-۵۲ و ۱۱۸-۱۱۹؛ ابن عبدربه، ۴۲۴/۵-۵۱۸؛ حمیدی، ۱۶۴-۱۶۶). کتاب *العقد الفرید* جنگی است در ۲۵ باب با موضوعات متنوع نظیر شعر و ادب و فکاهیات، مثل‌ها و تاریخ و انساب. محتوای کتاب در واقع نوعی دایره‌المعارف و چند دانشی است و ابن عبدربه این کتاب را برای آشنایی آندلسیان با فرهنگ و آداب و رسوم شرق نوشت (لسانی فشارکی، ۱۹۱). وی در بخش «کتاب الالیاقوتة الثانية فی علم الالحن و اختلاف الناس فیه»، بحث موسیقی و غنا را مطرح کرده و از حلال بودن موسیقی، نیز هنرمندان و موسیقی‌دانان زمان اموی و عباسی، رابطه هنرمندان با دربار و نیز سازهای رایج آن زمان سخن به میان آورده است. ابن عبدربه شاید با بررسی آراء مخالف جواز موسیقی کوشیده است تا کفه ادله را به سود جواز آن سنگین‌تر کند و از این طریق توجیه و مبنایی برای اختصاص بخشی از اثرش، *العقد الفرید*، به موسیقی فراهم آورد.

۱. شعر یا نظم تعلیمی به شعری گفته می‌شود که سراینده در آن علوم و فنون و رویدادها را، برای فهم بهتر مخاطب، به نظم در می‌آورد. نظم تعلیمی پیشینه‌ای طولانی دارد؛ در زمان عباسیان، پس از گسترش علوم و فنون و هنرهای مختلف نیاز مردم به فراگیری آن‌ها شدت گرفت. بنابراین بعضی از علما و شاعران به دلیل اینکه مردم در یادگیری سریع‌تر عمل کنند، به نظم کردن وقایع و علوم متعدد همت گماشتند (برای اطلاعات بیشتر نک: شریفی، ۱۸۳ - ۲۰۳). ابن عبدربه اولین کسی است که سرودن شعر تعلیمی را در آندلس شروع کرد؛ او فن عروض را به نظم درآورد و برای مثال هایش از برخی اشعار خودش بهره برد (لسانی فشارکی، ۱۹۱).

در این مقاله قصد داریم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که ابن عبدربه چرا چنین دیدگاهی در باب موسیقی داشت؟ بنابر گزارش‌های او، موسیقی‌دانان چه جایگاهی در دربار اموی و عباسی داشتند و ارتباطشان با دربار و خلفا چگونه بود؟ و از چه سازهایی در آن دوره‌ها بیشتر استفاده می‌شد؟

با اینکه کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های فراوانی درباره موسیقی عصر امویان و عباسیان نوشته شده، تاکنون پژوهش مستقلی با موضوع موسیقی از نگاه ابن عبدربه و بر مبنای کتاب العقد الفرید صورت نگرفته است. بیشتر آثار مربوط به موسیقی بر تبیین سیر این هنر در حکومت‌های اسلامی، توصیف جایگاه موسیقی و شرح حال موسیقی‌دانان متمرکز است. کتاب تاریخ موسیقی خاور زمین<sup>۱</sup> اثر فارمر، به طور کلی حول محور جنبه‌های تاریخی و نظری و عملی موسیقی جهان شرق تألیف شده و نویسنده، از غنا و خوانندگان و ارتباط سماع و موسیقی سخن می‌گوید. سپس به تاثیر موسیقی عربی بر موسیقی اروپایی، شماری از نوشته‌های موسیقایی آن زمان، موافقان و مخالفان موسیقی و همچنین موسیقی از دیدگاه خوارزمی، فارابی، ابن میمون و سعید بن یوسف فیومی نظر می‌افکند. درباره ابن عبدربه، فارمر به اشاره‌ای کوتاه و مختصر به موافقت او با موسیقی و غنا بسنده کرده و مستند او در ادامه، بخش «الباقوتة الثانية» کتاب العقد الفرید است، بدون تحلیل و بررسی این بخش. فارمر در کتاب دیگر خود، تاریخ موسیقی عربی<sup>۲</sup> به موضوع موسیقی در عصر جاهلی، زمان پیامبر، دوره خلفای راشدین و عصر امویان و عباسیان و مواجهه فقیهان مسلمان و موسیقی پرداخته و در ذیل هر بخش، از موسیقی‌دانان برجسته آن دوره یاد کرده و شرحی از احوال ایشان به دست داده است.

مقاله «موسیقی و شعر سیاسی در دوره امویان»<sup>۳</sup> شعر و موسیقی امویان را در سه گروه، موسیقی مذهبی، موسیقی و شعر سیاسی و موسیقی قیان (لهو و لعب) جای

۱. فارمر، هنری جورج، تاریخ موسیقی خاور زمین، ترجمه بهزاد باشی، تهران: انتشارات معین، ۱۳۹۹ (ترجمه عربی: دراسات فی الموسیقیة الشرقیة، ترجمه أمانی المنيوی، قاهره: مجلس الأعلى للثقافة، ۲۰۰۵ م).

۲. نک. ترجمه عربی: فارمر، هنری جورج، تاریخ الموسیقی العربیة، ترجمه حسین نصار، قاهره: مرکز القومي للترجمة، ۲۰۱۰ م.

۳. ایرانی، اکبر «موسیقی و شعر سیاسی در دوره امویان»، آئینه میراث، س ۵، ش ۱ و ۲، ۲۰۱-۲۲۴، بهار و تابستان ۱۳۸۶.

می‌دهد. نویسنده از مدیحه‌سرایان دربار اموی، مدیحه‌سرایان اهل بیت و واکنش دربار اموی در مقابل آن‌ها اطلاعاتی فراهم آورده و پس از آن نقش کنیزان آوازخوان را در امور حکومتی بررسی کرده است. سپهری در مقاله «موسیقی حجاز در عصر امویان»<sup>۱</sup>، از پیشرفت موسیقی و دلایل آن، در زمان امویان، تا تشکیل مکتب موسیقی مکه و مدینه سخن می‌گوید.

در باب موسیقی عباسیان، مقاله «موسیقی در دربار خلفای عصر اول عباسی»<sup>۲</sup>، اطلاعاتی از نشو و نماهای موسیقی‌دانان در دربار منصور، مهدی، هادی، هارون، امین، مامون، معتصم و واثق، حمایت خلفا از موسیقی‌دانان و نوازندگان و همچنین ترقی موسیقی و سازهای آن زمان به دست داده است. مقاله «عوامل رونق و شکوفایی موسیقی در عصر عباسی از آغاز تا تسلط آل‌بویه بر بغداد»<sup>۳</sup>، در پی توصیف دلایل درخشش موسیقی عباسیان است و در کنار معرفی موسیقی‌دانان نامی آن دوره به این نتیجه می‌رسد که عواملی مانند تشویق خلفا و حمایت مالی از موسیقی‌دانان و نوازندگان، انتقال مرکز خلافت از دمشق به بغداد، ورود ایرانیان به عرصه حکومت و تاثیر بر خلق و خوی اعراب، نهضت ترجمه و آشنایی با کتاب‌های موسیقایی یونان و دیگر ملتها، موسیقی را در دوره عباسیان به اوج رسانید. در مقاله «پایگاه اجتماعی موسیقی بغداد قرون دوم و سوم هجری»<sup>۴</sup> توجه نویسندگان به جایگاه موسیقی میان طبقات مختلف بغداد عصر عباسی جلب شده و رویکرد خلیفه و اطرافیانش، بزرگان و اشراف‌زادگان، سپاهیان و طبقه عامه جامعه در باب موسیقی و موسیقی‌دانان به تفصیل آمده است. در پایان‌نامه موسیقی در فرهنگ و تمدن اسلامی تا پایان عصر اول عباسی<sup>۵</sup>، به

۱. سپهری، محمد، «موسیقی حجاز در عصر امویان»، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، س ۳، ش ۹، ۱۳۹-۱۵۵، بهار ۱۳۹۲.

۲. خضری، احمدرضا، حلیمه جعفرپور نصیر محله، «موسیقی در دربار خلفای عصر اول عباسی»، هنرهای زیبا - هنرهای نمایشی و موسیقی، دوره ۱۹، ش ۲، ۱۷-۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.

۳. خضری، احمدرضا، حلیمه جعفرپور نصیر محله، «عوامل رونق و شکوفایی موسیقی در عصر عباسی از آغاز تا تسلط آل‌بویه بر بغداد»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، س ۲۵، ش ۲۵، ۳۵-۵۶، بهار ۱۳۹۴.

۴. خضری، احمدرضا، حلیمه جعفرپور نصیر محله، «پایگاه اجتماعی موسیقی بغداد قرون دوم و سوم هجری»، مطالعات تاریخ اسلام، س ۱۱، ش ۴۰، ۸۵-۱۰۲، بهار ۱۳۹۸.

۵. الله نوری، ذبیح‌الله، موسیقی در فرهنگ و تمدن اسلامی تا پایان عصر اول عباسی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۹.

موضوعاتی چون تاریخ پیدایش موسیقی، اصطلاحات، شماری از سازهای رایج، موسیقی در عهد خلفای راشدین، موسیقی در زمان امویان و عباسیان، دیدگاه فقیهان حنبلی، شافعی، مالکی و حنفی درباره موسیقی پرداخته شده است. گفتنی است که نویسنده، بخش درخور ملاحظه‌ای از اثر را در ارتباط با شرح حال موسیقی‌دانان، تاثیرپذیری موسیقی عربی از سایر ملت‌ها و تاثیرگذاری آن بر دیگر مناطق نگاشته است.

درباره ابن عبدربه و کتاب العقد الفرید، باید از مقاله «کتاب عقد الفرید از ابن عبدربه در ترازوی نقد»<sup>۱</sup> یاد کرد. نویسندگان در این پژوهش در کنار معرفی مختصری از ابن عبدربه، تنها بر تحلیل و بررسی بخش‌های متعدد العقد الفرید، معایب و محاسن و ویژگی‌های آن، دلایل حذف سلسله سندها و بی‌نظمی‌های موجود در کتاب متمرکز شده‌اند و مطلبی در باب موسیقی در آن به چشم نمی‌خورد.

در تمام این پژوهش‌ها، نویسندگان به فراخور موضوع، از العقد الفرید ابن عبدربه نیز بهره برده و به آن ارجاع داده یا اشاره کرده‌اند، اما همه اطلاعات مندرج در این بخش از کتاب ابن عبدربه بررسی و تحلیل نشده است. هدف در این پژوهش، بررسی دیدگاه‌ها و نظرات ابن عبدربه و ارائه جامعه‌ای آماری از موسیقیدانان مورد توجه نویسنده و اشاره به اهمیت این کتاب برای علاقه‌مندان به پژوهش‌های موسیقایی بوده است.

### پیوند شعر و موسیقی: سنگین کردن کفه ترازوی موافقان جواز موسیقی

ابن عبدربه با صراحت از حلال و حرام بودن موسیقی سخنی به میان نمی‌آورد، اما با توجه به رویه‌ای که در کتاب پیش می‌گیرد، به نظر می‌رسد با توسل به این دلایل در پی حلال جلوه دادن موسیقی است: ذکر جواز موسیقی از منظر حجازیان، سخن گفتن از فواید موسیقی از نظر بزرگان و عالمان، ایجاد پیوند میان شعر و موسیقی و استنتاج حکم کلی از آن.

وی ابتدا از استدلال دو گروه موافق و مخالف موسیقی سخن به میان می‌آورد و بعد از آن به این مطلب اشاره می‌کند که موسیقی و غنا از نظر مردم حجاز ایرادی نداشت و آنان کمابیش به اینگونه هنرها علاقه نشان می‌دادند، ولی مردم عراق رغبتی به موسیقی نداشتند و آن را ناپسند می‌شمردند. در اینجا ایجاد پیوند میان جواز و عدم جواز به

۱. بیژنی، لیلا، عنایت‌الله فاتحی‌نژاد، «کتاب عقد الفرید از ابن عبدربه در ترازوی نقد»، مطالعات نقد ادبی،

س ۱۳، ۴۷، ۳۵-۵۹، بهار و تابستان ۱۳۹۷.

شهرها و فرهنگ حاکم بر آنها با توجه به پذیرش و اولییتی که حجاز و فرهنگ آن در چشم مسلمانان داشت، می‌تواند زمینه‌ای به سود جواز موسیقی از جانب ابن عبدربه فراهم آورد. در کنار این استدلال، ابن عبدربه دو دلیل دیگر نیز برای سنگین‌تر کردن کفه ترازو به سود جواز موسیقی تدارک دیده است: نخست بر فواید موسیقی از نظر طیف گوناگونی از عالمان مسلمان تاکید می‌کند. به نظر او، موافقان موسیقی برای توجیه رأی خویش به نظر فیلسوفان، طبیبان و عارفان استناد می‌کنند. از نظر این بزرگان، که البته ابن عبدربه نامی از آنها نمی‌برد، نغمه‌ها و الحان موسیقی به شادی روح و سلامت جسم منجر می‌شود؛ گوش سپردن به آواز خوش، مایه رفع خستگی و برانگیختن حالت‌های عرفانی است و بر اخلاقیات می‌افزاید. آنان در ادامه به آیه ۱ سوره فاطر<sup>۱</sup> اشاره می‌کنند و معتقدند چون خداوند انسان را با اینگونه مهارت‌ها آفرید، پس پرداختن به آن ایرادی ندارد (ابن عبدربه، ۴ - ۹).

سپس ابن عبدربه با ذکر شواهدی، غیرمستقیم بحث را به سود جواز موسیقی پیش می‌برد. به بیان ساده‌تر، گویی حکم شعر و موسیقی به لحاظ جواز یا عدم جواز و ممدوح یا مذموم بودن یکسان است و براساس شواهدی از سنت به سود جواز شعر، این نتیجه موجه به نظر می‌رسد که موسیقی نیز مشمول حکم جواز است. بر پایه الیاقوتة الثانية، پیامبر و نزدیکانش مخالفتی با شعر و آوازخواندن نداشتند، حتی بعضی وقت‌ها پرداختن به آنها را تشویق می‌کردند. به‌عنوان مثال روزی پیامبر در حال گذر بود که به مردی برخورد؛ مرد در مقابل پیامبر ابیاتی سر داد. پیامبر از آواز مرد خوشش آمد و او را تحسین کرد. روایتی هم حاکی از مخالفت پیامبر با آوازخوانی زنان وجود ندارد؛ زیرا بنابر روایتی پیامبر به آواز جاریه‌ای خواننده گوش سپرد و او را از آوازخوانی نهی نکرد (ابن عبدربه، ۴-۹). حتی در بعضی مواقع، نزدیکان و صحابه پیامبر نیز، مثل ابوموسی اشعری، حسان بن ثابت و ابوبرزه اسلمی، به شعر و شاعری مشغول بوده‌اند. ابوموسی اشعری<sup>۲</sup> صدای خوب و دلنشینی داشت و پیامبر به صدا و آواز او دلبستگی نشان می‌داد.

۱. الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرَبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ستایش مخصوص خداوندی است آفریننده آسمانها و زمین، که فرشتگان را رسولانی قرار داد دارای بالهای دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه، او هر چه بخواهد در آفرینش می‌افزاید، و او بر هر چیزی تواناست.

۲. عبدالله بن قیس از صحابه پیامبر بود و نسبش به طائفه اشعر، از طائفه‌های یمن، برمی‌گردد (ابن سعد، ۹۷). اشعری از زمان پیامبر در صحنه سیاسی حضور داشت و نقشش در زمان عمر، خلیفه دوم، پررنگ‌تر شد. در ماجرای جنگ صفین، اشعری را به عنوان حکم بین معاویه و امام علی برگزیدند (بعقوبی، ۹۰-۹۱).

ابن عبدربه و ابن سعد روایتی آورده‌اند که در آن پیامبر از صدای ابوموسی به طور غیرمستقیم ستایش کرده و گفته است: «به عبدالله بن قیس مزماری از مزمارهای خاندان داوود داده شده است»<sup>۱</sup>. (ابن عبدربه، ۴؛ ابن سعد: ۹۶). ابن عبدربه در این بخش، به هیچ منبعی ارجاع نداده است و بدین ترتیب، صحت و سقم روایت‌هایش قابل بحث خواهد بود، اما در منابعی نظیر سیره ابن هشام و تاریخ طبری، روایاتی حاکی از مولفقت پیامبر با شعر آمده است؛ مثلاً در ماجرای به اسلام گرویدن قبیله بنی تمیم، پیامبر هنگامی که با زبرقان بن بدر تمیمی، یکی از شاعران قبیله بنی تمیم، روبه‌رو شد و از ابن بدر اشعاری در رثای قبیله‌اش شنید، آنگاه دستور داد حسان بن ثابت حاضر شود و ابیاتی بخواند. حسان آمد و در ستایش پیامبر و مسلمانان بیت‌هایی سرود (ابن هشام، ۳۵۲/۲؛ طبری، ۲۱/۴). مثال دیگر به ماجرای مسلمانی شدن شماری از اهالی هوازن مربوط است که میان ایشان شاعری به نام زهیر بن صرد<sup>۲</sup> حضور داشت. زهیر پس از مسلمانی، ابیاتی برای پیامبر سرود و ایشان به اشعارش گوش سپرد (طبری، ۳-۲۷۶-۲۷۷).

در مقابل، به رأی افرادی که بر حرام و کراهت شرعی موسیقی اتفاق نظر دارند، موسیقی به این سبب حرام است که قلب را تیره می‌کند و عقل را به تباهی می‌کشانند. موسیقی، اخلاقیات و رفتارهای انسانی را از بین می‌برد و مایه نابودی فضیلت‌هاست. این افراد در پاسخ به موافقان موسیقی، به آیه ۴ سوره لقمان<sup>۳</sup> و آیه ۱۱۶ سوره نحل<sup>۴</sup> استناد می‌کنند. از نظر ایشان، کسانی که موسیقی را بدون اشکال می‌دانند، حلال بودن موسیقی را به خدا نسبت داده‌اند، ولی در واقع خداوند موسیقی را به این سبب که انسان را به بی‌راهه می‌کشانند، ناپسند می‌داند. ابن عبدربه از مخالفت افرادی مثل مالک بن انس، عبدالله بن عمر، قاضی ابویوسف، محمد بن عبدالرحمن بن هشام و ابن جریج با موسیقی سخن می‌گوید و از کسانی نام می‌برد که موسیقی را با شرایطی خاص مجاز

۱. «قال نبی لأبی موسی اشعری لما أعجبه حسنُ صوته: لقد أوتیت مزماراً من مزامیر آل داود».

۲. اهل هوازن و از طائفه سعد بن بکر.

۳. الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ: همانان که نماز را برپا می‌دارند، و زکات را می‌پردازند و آنها به آخرت یقین دارند.

۴. وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لَتَنفَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبُ إِنْ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ: به خاطر دروغی که بر زبانتان جاری می‌شود (و چیزی را مجاز و چیزی را ممنوع می‌کنید) نگویید: «این حلال است و آن حرام»، تا بر خدا افترا ببندید به یقین کسانی که به خدا دروغ می‌بندند، رستگار نخواهند شد!

می‌شمردند؛ مثلاً از نظر حسن بصری،<sup>۱</sup> غنایی خوب بود که موجبات اتصال به پروردگار را فراهم می‌ساخت؛ یا عمرو بن عبید غنا را تا زمانی مناسب می‌دانست که لحن در آن صورت نگیرد (ابن عبدربه، ۷-۱۸).

به‌طور کلی ابن عبدربه در این بخش با آوردن روایت‌هایی در پی آن است که موسیقی را نیکو و حلال جلوه دهد. او در بین نظر مخالفان با موسیقی، گاه به نظر مثبت اصحاب پیامبر استناد می‌کند تا موضوع را به سمت مباح بودن موسیقی پیش ببرد. در واقع ادله، مستندات و روایاتی که برای جایز بودن موسیقی به دست می‌دهد، بسیار محکم‌تر از روایات حاکی از کراهت شرعی موسیقی است. گویا ابن عبدربه در پی انتقال این مطلب به مخاطب است که حجازیان مخالفی با موسیقی ندارند، با آنکه حجاز مهد اسلام بود. از این منظر، موسیقی حرام نیست، بلکه مزیت‌های بسیار برای جسم و روح دارد و اینکه پیامبر و نزدیکانش درباره موسیقی و شعر رأی منفی نداشتند، بلکه کراهت موسیقی، بعدها از جانب کسانی از گروندگان به اسلام پیدا شد، که معمولاً از فرهنگ‌های متفاوت بودند (ابن عبدربه، ۷-۱۸).

### موسیقی نوازان مرد و زن: بررسی آماری

بر اساس کتاب ابن عبدربه، هنرمندان<sup>۲</sup> را می‌توان به دو گروه درباری و غیردرباری تقسیم کرد؛ هرکدام از این دو گروه، زنان و مردان موسیقی‌دان، خواننده و شاعر را در خود جای می‌دهند. هنرمندان درباری به کسانی اطلاق می‌شود که به نحوی با درباریان و خلفا در ارتباط بودند؛ این گروه از غلامان، فرزندان و نزدیکان خلفا تشکیل می‌شد که به خوانندگی و نوازندگی علاقه داشتند. این افراد اغلب در مجالس خلفا حضور می‌یافتند و خلیفه و اطرافیانش را مشغول می‌کردند. در مقابل، کسانی که از نزدیکان خلیفه محسوب نمی‌شدند، هنرمندان غیردرباری بودند و تمایل آنان به شاعری و خوانندگی بود. ابن عبدربه مردان هنرمند هر دو گروه را، اعم از غلامان و مردان آزادی که در

۱. ابوسعید حسن بن ابی الحسن یسار بصری در ۲۱ ق دیده به جان گشود و در سال ۱۱۰ ق. از دنیا رفت. بصری از تابعان و عالمان ممتاز نخستین سده اسلام است که به حدیث، تفسیر و کلام تسلط داشت و از افراد صاحب‌نظر آن زمان بود. او از ناقلان حدیث به‌شمار می‌آمد و بعدها افراد زیادی را در این زمینه پرورش داد (نک: حاج منوچهری، ۵۶۵ - ۵۹۰).

۲. در این مقاله منظور ما از هنرمندان موسیقی‌دانان، شاعران، آوازخوانان و نوازندگان است.



خدمت کسی نبودند، با نام‌های «مغنی» و «شاعر» آورده است؛ اما میان زنان موسیقی‌دان کنیز و زنان موسیقی‌دان طبقه عامه تمایز قائل شده است. بدین معنا که از زنان موسیقی‌دان کنیز با نام «جاریه» (کنیز آوازخوان) و از زنان موسیقی‌دان آزاد با اسم «مغنیه» (زن آوازخوان) یاد کرده است (ابن عبدربه، ۳-۸۷). جاریه‌ها معمولاً کنیزان و بردگانی بودند که پس از خریداری در خدمت درباریان و اشراف قرار می‌گرفتند، ولی مغنیه‌ها اربابی نداشتند.

ابن عبدربه از ۷۷ هنرمند نام می‌برد که ۶۷ تن آنان مرد و ۱۰ تن آنان زن هستند. این هنرمندان به چهار دوره یعنی جاهلیت، صدر اسلام، امویان و عباسیان تعلق دارند. از هنرمندان عصر جاهلی به می‌توان عدی بن زید<sup>۱</sup> و عنتره بن شداد<sup>۲</sup> (ابن عبدربه، ۲۰، ۳۷)؛ و از هنرمندان صدر اسلام براء بن مالک، طویس، حسان بن ثابت و خواهرش خوله بنت ثابت اشاره کرد (ابن عبدربه، ۷، ۹، ۳۱). شمار چشمگیری از هنرمندان متعلق به زمان امویان و عباسیان‌اند. نویسنده بیشتر تمرکز خود را بر مردان هنرمند هر دوره نهاده و از زنان بسیار کم سخن گفته است؛ به طور کلی از میان ۳۹ هنرمند دوره اموی، ۵ تن و از میان ۲۳ هنرمند دوره عباسی از دو تن زن یاد شده است. ۷ نفر از هنرمندان هر دو دوره را درک کرده‌اند و چهار نفر از آنان را به سبب نقصان اطلاعات و روایات، نمی‌توان در هیچ گروهی نمی‌توان جای داد؛ مثل رشا (زن)، جوذر (زن)، ابن صیاد مدنی و ایوب مغنی (ابن عبدربه، ۶۱-۶۲، ۷۷، ۸۶).

ابن عبدربه هنرمندان دوره اموی را از ابتدا تا انتهای حکومت ذکر کرده، اما در باب عصر عباسی فقط به هنرمندان عصر طلایی توجه داشته است. بخش درخور ملاحظه‌ای از کوشش ابن عبدربه بر یاد هنرمندان درباری معطوف شده است. بنابر این کتاب، ۲۳

۱. عدی بن زید بن حماد بن ایوب بن محروف، شاعر و ادیب مسیحی در دربار ساسانیان بود. جد او ایوب در قبیله یمامه مرتکب قتل شد و بعد به سمت حیره نقل مکان کرد. هنگامی که عدی کوچک بود پدرش او را نزد فروخ ماهان، مرزبان حیره، فرستاد تا زبان فارسی و هنر بیاموزد. فروخ ماهان، عدی را به انوشیروان ساسانی معرفی کرد و از آن پس عدی در خدمت پادشاهان ساسانی درآمد (ابوالفرج اصفهانی، ۲/۶۳، ۶۵). عدی شاعری زبردستی بود و پس از مرگش افرادی مثل ولید بن یزید، مسلم بن ولید، ابونواس و والبه بن حباب از اشعارش بهره جستند (نظام طهرانی، ۱۷۲).

۲. عنتره بن شداد بن عمر بن معاویه بن مخزوم از شاعران بزرگ قبل از اسلام است. مادرش، زبیبه، از کنیزان حبشی بود. ابوالفرج اصفهانی در آغانی چند نمونه از اشعار عنتره را ذکر کرده است (نک: ابوالفرج اصفهانی، ۸/۱۶۸-۱۷۴).



جدول شماره ۲			
هنرمندان درباری عباسیان	حرفه	هنرمندان غیردرباری عباسیان	حرفه
مردان:		مردان:	
۱. ابراهیم موصلی	خواننده / شاعر / نوازنده عود	۱. ابراهیم بن سعد زهری*	خواننده / نوازنده عود
۲. منصور زلزل	نوازنده عود	۲. مسلم بن محرز*	خواننده / نوازنده عود
۳. ابن جامع	خواننده	۳. ابن دمینه*	شاعر
۴. برصوما	نی‌زن	۴. اشعب بن جبیر*	خواننده / شاعر
۵. زریاب	خواننده / نوازنده عود	۵. غیلان بن عقبه*	شاعر
۶. حکم وادی*	خواننده / نوازنده دف	۶. مالک بن ابی سمح	خواننده
۷. دحمان	خواننده	۷. ابن حنظله الغسیل*	خواننده
۸. ابن شکله	خواننده / شاعر	۸. زنین	خواننده
۹. اسحاق موصلی	خواننده / شاعر / نوازنده عود	۹. دبیس	خواننده
۱۰. سفیان بن عینیه مهلبی	شاعر		
۱۱. مخارق	خواننده	زنان:	
۱۲. عبثر	خواننده	۱۰. بصیص	خواننده / نوازنده عود
۱۳. علویه	خواننده / نوازنده عود		
۱۴. عمرو غزال	خواننده		
۱۵. سوسن	خواننده		
۱۶. ابونواس	شاعر		
۱۷. سلم خاصر	خواننده / نوازنده تنبور		
۱۸. مسدود	خواننده		
۱۹. علی بن جهم	شاعر		
۲۰. عمر بن ابی ربیع	شاعر		
زنان:			
۲۱. عنان جاریه	خواننده		

\* هنرمندان دوره اموی و عباسی

درست است که نام شمار اندکی از زنان موسیقی‌دان در کتاب آمده، ولی ابن عبدربه در بسیاری از روایات به حضور جاریه‌ها و مغنیه‌ها در مجالس‌ها و مکان‌های دیگر اشاره کرده است. جاریه‌ها اغلب از وابستگان خلفا، اشراف و موسیقی‌دانان مرد بودند و همراه سرپرست گروه در مجالس حاضر می‌شدند و هنرنمایی می‌کردند. در مجالس سلیمان بن عبدالملک (حک: ۹۶-۹۹ ق)، یزید بن عبدالملک (حک: ۱۰۱-۱۰۵ ق)، هارون الرشید (حک: ۱۷۰-۱۹۳ ق) و مأمون (حک: ۱۹۸-۲۱۸ ق) همیشه جاریه‌هایی برای خوانندگی و نوازندگی حضور داشتند (ابن عبدربه، ۵۸-۶۰، ۶۲، ۶۶، ۶۵، ۷۴). در میهمانی‌های اشراف و ثروتمندان جاریه‌هایی میهمانان را سرگرم می‌کردند (ابن عبدربه، ۴۲-۴۹، ۵۸). از

جاریه‌هایی وابسته به مردان موسیقی‌دان می‌توان به جاریه عبدالله بن جعفر اشاره کرد که پیوسته همراه وی بود. عبدالله در موقعیت‌های مختلف مثل مجلس میهمانی خلفایی نظیر معاویه و عبدالملک بن مروان از جاریه می‌خواست تا برای حاضران و اطرافیان آواز بخواند (ابن عبدربه، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵).

ابن عبدربه اشاره‌ای به حضور زنان قینیه در دربار خلفا نمی‌کند؛ به نظر می‌رسد زنان قینیه خارج از دربار روزگار می‌گذراندند و گاهی با افراد سرشناس و موسیقی‌دانان مشهور ارتباط داشتند. مثلاً وی روایتی از چند قینیه به دست می‌دهد که اهل عراق و مدینه بودند و در مجلسی آواز خواندند که در آن ابونواس و شماری از افراد مشهور دیگر حضور داشتند (ابن عبدربه، ۶۹-۷۱). اشعب بن جبیر، علی بن جهم و ابوبکر کاتب از جمله افراد سرشناسی بودند که با زنان قینیه دیدار و ارتباط داشته‌اند. علی بن جهم به سبب علاقه به قینیه‌ای برایش ابیاتی سرداد<sup>۱</sup> و ابوبکر کاتب هم به سبب دل بستگی به یکی از زنان قینیه، هدایایی چون لباس برای او فرستاد (ابن عبدربه، ۶۸-۶۹، ۷۶). همچنین، مردی از بنی‌هاشم، که ابن عبدربه نام کامل او را ذکر نکرده است، قینیه‌هایی از شهرهای یمن، مکه، شام، مدینه، بصره و کوفه داشت که دو نفر از آن‌ها رشا و جودر بودند (ابن عبدربه، ۷۷، ۷۸).

### مناسبات اهل موسیقی و دربار

ابن عبدربه اغلب در پی آن است که روابط دوستانه خلفا و هنرمندان را به تصویر بکشد و سخنی از تیرگی روابط برخی موسیقی‌دانان با خلیفه و حکومت وقت به میان نمی‌آورد. او خلفا را اهل هنر و دوستدار موسیقی توصیف می‌کند و از بذل و بخشش‌های فراوان ایشان به هنرمندان سخن می‌گوید. ابراهیم بن هشام<sup>۲</sup>، ابن شکله<sup>۳</sup>، هارون الرشید<sup>۴</sup>،

۱. خَفِيَ اللَّهُ فِيمَنْ قَد تَبَلَّتْ فُؤَادَهُ وَ تَيَمَّتْ دَهْرًا كَأَنَّ بِه سَحْرًا

دَعَى الْهَجْرَ لَا أَسْمَعُ بِه مِنْكَ سَأَلْتُكَ أَمْرًا لَيْسَ يُعْرَى لَكَمَ ظَهْرًا

۲. ابن عبدربه روایتی می‌آورد که روزی مردی نزد ابراهیم بن هشام بود و ابراهیم این شعر را سرداد:

إِذْ أَنْتَ فِينَا لَمَنْ يَنْهَاكَ عَاصِيَهُ وَ إِذْ أَجْرُ الْيَكْمِ سَادِرًا رَسْنِي

۳. هنگامی که ابن شکله در جنگ با مامون شکست خورد این ابیات را خواند:

ذَهَبْتُ عَنِ الدُّنْيَا كَمَا ذَهَبَتْ مَنِي هَوَى الدَّهْرِ بِي عَنهَا وَ اهْوَى بِهَا عَنِي

فَإِنْ أَبَكْ نَفْسِي أَبَكْ نَفْسًا عَزِيْزَةً وَ إِنْ أَحْتَبِسُهَا أَحْتَبِسُهَا عَلَيَّ ضَنْ

۴. تُبْدِي صُدُودًا وَ تُخْفِي تَحْتَهُ مَقَّةً فَالْنَفْسُ رَاضِيَةٌ وَ الطَّرْفُ غَضْبَانٌ

يَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ خَدِّي فَذَلَّلَهُ وَ لَيْسَ فَوْقِي سِوَى الرَّحْمَنِ سُلْطَانُ

مامون<sup>۱</sup> و معتز<sup>۲</sup> از خلیفه و خلیفه زادگانی اند که موسیقی و شعر می دانستند و گاه برخی از آنان در وصف کنیزان آوازخوانشان ابیاتی می سرودند و آواز می خواندند (نک: ابن عبدربه، ۳۹، ۵۵، ۶۷، ۶۸).

عبدالله بن جعفر، ابن صیاد مغنی و بدیح بن ملیح با معاویه و پسرش یزید مرواداتی داشتند. معاویه گاه در مجالس این هنرمندان حاضر می شد و آنان را حین آوازخوانی و نوازندگی می نگریست و از آوازشان لذت می برد. در برخی مواقع نیز به آنان پاداش می داد؛ مثل زمانی که پس از شنیدن آواز ابن جعفر و بدیح بن ملیح، به ابن جعفر ده هزار دینار و صد جامه عطا کرد و هزار دینار و ده لباس هم به افراد دیگری بخشید که در آن مجلس حاضر بودند (ابن عبدربه، ۲۰، ۲۱).

ابن جعفر پس از معاویه گاه به دربار عبدالملک بن مروان می رفت و به اجرای موسیقی و آواز مشغول می شد. او موجبات آشنایی ابن ابی عتیق را با خلیفه فراهم آورد و در مجلسی با هم به هنرنمایی در مقابل عبدالملک پرداختند (ابن عبدربه، ۲۴، ۲۵).

بعضی از موسیقی دانان نزد خلفا جایگاه خاص داشتند؛ سلیمان بن عبدالملک جاریه ای خواننده به نام ذلفاء داشت که در برخی سفرها خلیفه را همراهی و او را سرگرم می کرد؛ مثل سفر سلیمان به فسطاط که موجب شد خلیفه با سنان موسیقی دان آشنا شود و او را از صاحبش به مقدار ده هزار دینار بخرد (ابن عبدربه، ۷۴).

یزید بن عبدالملک درکنار آوازخوانان و موسیقی دانان دربار، صاحب دو جاریه خواننده به نام های سلامه و حبابه بود که نزد خلیفه مقام و منزلت خاصی داشتند. خلیفه میهمانی های بزرگی برگزار می کرد، در مقابل هنرمندان دست و دل باز بود و پاداش های خوبی به آنها می داد. برای نمونه، روزی هنرمندان دربارش اشعاری از ابوطمحان قینی خواندند و خلیفه چندان پسندید<sup>۳</sup> که به ابوطمحان قینی هزار درهم بخشید (ابن عبدربه، ۴۱، ۵۴، ۵۵، ۵۸-۶۰، ۶۶؛ ابوالفرج اصفهانی، ۸ / ۲۴۰).

خلیفه اموی ولید بن یزید نیز مجالسی برای خوشگذرانی تشکیل می داد و

۱. لها فی لحظها لحظات حتفٍ  
فإن غضبت رأیت الناس قتلی  
تسبی العالمین بمقلتیها  
کأن العالمین لها عبید
۲. فأمسیت فی لیلین للشعر و الدجا  
و شمسين من كأسٍ و وجه حبيب  
محبًا ابن مروان و ينهل بارقه  
تسیل به أصدائه و مفارقه
۳. یکاد الغمام العریر عد إن رأی  
یظل فتیب المسک فی رونق الضحی

موسیقی‌دانانی مثل خالد صامت، مالک بن ابی سمح، ابن عایشه، غزیل و حکم وادی در آن مجالس حاضر می‌شدند و هنرنمایی می‌کردند (ابن عبدربه، ۳۳، ۵۳).

بخش در خور توجهی از این کتاب به هنرمندان دربار هارون‌الرشید و مأمون اختصاص دارد: ابن شکله، زریاب، ابراهیم و اسحاق موصلی، برصوما، منصور زلزل، ابن جامع سهمی، سفیان بن عینیه مهلبی، مخارق، عبثر، عمرو الغزال، علویه، سوسن، حکم وادی، ابونواس و عنان جاریه از هنرمندان دربار هارون‌الرشید، امین و مامون بودند. هارون پیوسته مجالس باشکوه ترتیب می‌داد و آوازخوانان، نوازندگان و شاعران را گرد می‌آورد. او و پسرانش پادشاه‌های هنگفتی به هنرمندان می‌بخشیدند و روابط نزدیکی با آنان داشتند. هنرمندان دیگر هم در دربار این خلیفه‌ها آواز می‌خواندند و هنرنمایی می‌کردند و به عنوان تشویق از خلیفه درهم‌هایی می‌گرفتند، مثل دینارهایی که خلیفه امین پس از اجرای ابراهیم موصلی به او داد (ابن عبدربه، ۳۱-۳۶، ۵۰).

گاه روابط دوستانه و محبت‌آمیز خلفا با موسیقی‌دانان به تیرگی می‌گرایید و تبعید هنرمندان را به دنبال می‌آورد. ابن عبدربه فقط در یک قسمت به رانده شدن زریاب از دربار و تبعیدش به قیروان اشاره کرده است. به گفته وی هارون‌الرشید زریاب را به سبب بدگویی‌های ابراهیم موصلی از دربار دور کرد (ابن عبدربه، ۳۷). هرچند برخی در صحت این روایت شک دارند و دلایلی در رد آن بیان کرده‌اند.<sup>۱</sup> ابن عبدربه طرد شماری از هنرمندان دیگر را مخفی نگاه داشته است؛ مثل احوص، فرزدق، عمر بن ابی ربیع و ابونواس. این افراد گاه بنا بر دلایل سیاسی، مثل قربت با اهل بیت و ستایش آن‌ها، و گاه به دلایل اجتماعی، مثل شکایت مردم و ایجاد مزاحمت برای زنان و شعر سرودن در وصف آن‌ها، مورد شماتت و طرد خلفا واقع می‌شدند. عمر بن عبدالعزیز، احوص و عمر بن ابی ربیع را به سبب آنکه در وصف زنان شعر می‌سرودند و موجب آزار و اذیت‌شان می‌شدند به منطقه دهلک<sup>۲</sup> تبعید کرد. احوص و عمر پیش از آن با ولید بن عبدالملک، عبدالعزیز بن مروان و عبدالملک بن مروان روابط خوبی داشتند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۷۳/۴؛ زرکلی، ۵۲/۵). البته در قسمتی از *العقد الفرید*، ابن عبدربه به درگیری احوص با

۱. خضری، «زریاب»، <https://rch.ac.ir/article/Details/14574>؛ برای اطلاع بیشتر در مورد نقش و جایگاه زریاب در موسیقی نیز نک: خضری، «زریاب و نقش او در انتقال موسیقی و رسوم ایرانی به اسپانیای اسلامی: اندلس»، *هنرهای زیبا*، ش ۲۲، تابستان ۱۳۸۴؛ *قطاط*، محمود، «زریاب: استاد موسیقی اندلسی»، ترجمه مصطفی اسلامی، پیام یونسکو، ش ۲۶۶-۲۶۷، مرداد و شهریور ۱۳۷۱.

۲. دهلک: نام جزیره‌ای در دریای یمن است و بین یمن و حبشه قرار دارد (حموی، ۵۶۰/۲).

حکومت اموی و یزید بن عبدالملک به ظرافت اشاره می‌کند: به نظر می‌رسد که احوص ابیاتی در لعن یزید سرود، اما ابن عبدربه در العقد الفرید جایی به اشعار احوص اختصاص نداده است (ابن عبدربه، ۶۶). فرزدق در زمرة شاعرانی بود که در مدح اهل بیت شعر می‌سرود؛ این کار او خشم خلفا را برانگیخت و به طرد او از دربار خلیفه هشام بن عبدالملک انجامید (ابوالفرج اصفهانی، ۳۲۴/۹-۳۴۵). هارون الرشید و امین با ابونواس شاعر روابط خصمانه داشتند: هارون، ابونواس را به زندان افکند و او گرچه پس از مرگ هارون، از زندان رهایی یافت، اما نتوانست ارتباط خوبی با دربار برقرار کند (فروخ، ۱۵۸-۱۶۵).

### انواع سازها

ابن عبدربه فقط به سه نوع ساز عود، دف و نی اشاره کرده و بیشتر بر عود متمرکز است و به طور کلی، در برخی موارد نام ساز را پوشیده نگاه می‌دارد. وی عود را بهترین ساز موسیقی معرفی می‌کند و بر این عقیده است که همراهی عود با شعر و آواز سبب رنگین شدن و خوش‌آهنگ شدن کلام می‌گردد. او نیز از کسانی است که لمک بن قابیل بن آدم را به عنوان اولین سازنده عود می‌داند (ابن عبدربه، ۲۹، ۷۸-۸۰؛ مسعودی، ۶۱۷/۲-۶۱۸). براساس الیاقوتة الثانية، در بیشتر مجالس خلفا، هنرمندانی، چه زن و چه مرد، عود می‌نواختند. بدیع بن ملیح و عبدالله بن جعفر در دربار معاویه آواز می‌خواندند و عود می‌نواختند (ابن عبدربه، ۵۲). سنان، عودنواز و از هنرمندان دربار سلیمان بن عبدالملک بود (ابن عبدربه، ۷۶). منصور زلزل و ابراهیم موصلی در مجالس خلفایی همچون مهدی، هادی، هارون و مامون حاضر می‌شدند و ساز آنها عود بود و ابراهیم علاوه بر عودنوازی آواز هم می‌خواند. ابن عبدربه از منصور زلزل به عنوان بهترین نوازنده عود یاد کرده است (ابن عبدربه، ۴۱؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۰۲/۵-۱۶۷). در کتاب ابن عبدربه به ندرت نامی از زنان عودنواز به میان آمده و نویسنده زنان عودنواز را بدون نام و با شاخص عمومی جاریه ذکر کرده است. تنها زن عودنوازی که ابن عبدربه از او نام برده، بصیص است. بصیص کنیزی آوازخوان و اهل مدینه بود که یکی از فرزندان جعفر بن ابی طالب به او علاقه‌مند شد (ابن عبدربه، ۷۰). بشر بن مروان، برادر عبدالملک بن مروان و والی عراق، کنیزی آوازخوان و عودنواز داشت و روزی که شعبی نزد او بود، به کنیز دستور داد تا آواز بخواند و عود بنوازد (ابن عبدربه، ۱۵-۱۶). همچنین در مجلس عبدالملک بن مروان که عبدالله بن جعفر و ابن ابی عتیق در آن آواز خواندند، کنیزی به دستور عبدالملک به نواختن عود پرداخت (ابن عبدربه، ۲۳-۲۵). از دیگر عودنوازان ذکر

شده می‌توان به سائب خاثر، غریض، ابراهیم سعد زهری و ابن عایشه در عصر اموی و مسلم بن محرز، علویه، اسحاق موصلی و زریاب در عصر عباسی اشاره کرد. ایوب مغنی در کنار آوازخوانی نوازندهٔ عود هم بود، اما به‌درستی نمی‌دانیم در کدام دوره می‌زیست (ابن عبدربه، ۶۱).

نی یا مزمار، دومین سازی‌ست که در *العقد الفرید* از آن نام برده شده و در *زمرهٔ* سازهای بادی یا ذوات‌النفخ جای می‌گیرد. تنها نوازندهٔ مزماری که ابن عبدربه از او نامی به میان آورده، برصوما ست که در زمان هارون‌الرشید می‌زیست. برصوما با ابن جامع، ابراهیم موصلی و منصور زلزل معاصر بود و این چند هنرمند در بیشتر مجالس عیش و نوش هارون حضور داشتند (ابن عبدربه، ۳۴).

آخرین ساز که از سازهای ایقاعی<sup>۱</sup> دف است و ابن عبدربه از سه هنرمند دف‌زن نام می‌برد: طویس، غریض و حکم وادی. طویس آوازخوان و تنبورنواز بود، اما ابن عبدربه فقط به دف‌زنی او اشاره کرده است (ابن عبدربه، ۳۰-۳۳؛ ابوالفرج اصفهانی ۲۷/۳ و ۴۴). طویس پس از اینکه ابان بن عثمان به ولایت مکه رسید، برای تبریک راهی مکه شد و در مجلسی که او تدارک دیده بود به آوازخوانی و دف‌زنی پرداخت (ابن عبدربه، ۳۰). در جایی دیگر هنگامی که بکر بن اسماعیل انصاری و سعید بن عبدالرحمن بن حسان ثابت کنار هم بودند، طویس آوازش را با دف همراه کرد (ابن عبدربه، ۳۰-۳۱). ابن سریق خوانندگی را به غریض آموخت و غریض هم در نواختن عود مهارت داشت و هم دف‌زن برجسته‌ای بود (ابن عبدربه، ۳۲-۳۳؛ نیز نک: ابوالفرج اصفهانی، ۲۳۵/۶). حکم وادی در کنار خوانندگی، دف هم می‌زد؛ او در دربار ولید بن عبدالملک و ولید بن یزید اموی و همچنین دربار مهدی، هادی و هارون‌الرشید عباسی روزگار گذراند (ابن عبدربه، ۳۳؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۷/۶).

باید یادآوری کرد که ابن عبدربه گاه اسم سازها را با واژهٔ عمومی «اوتار» آورده و از اشارهٔ مستقیم به نام آن‌ها خودداری کرده است. برای نمونه، آنجا که از مجلس معاویه سخن می‌گوید، به اوتاری اشاره می‌کند که عبدالله بن جعفر و ابن صیاد مغنی در مقابل معاویه نواختند (ابن عبدربه، ۱۹-۲۰). با توجه به اینکه اوتار بر تمامی سازهایی که از

۱. ابزارهایی که برای حفظ ریتم و اصول موسیقی استفاده می‌شوند. این گروه سازهای کوبه‌ای فلزی، پوستی، تیغه‌ای و لوله‌ای را در برمی‌گیرد مثل دف، طبل و... .



وتر ساخته شده‌اند اطلاق می‌شود و عود، چنگ، معزفه<sup>۱</sup> و تنبور نیز همگی در دسته سازهای ذوات‌الوتار قرار دارند (وجدانی ۱/۴۴۴-۴۴۵)، تشخیص اینکه منظور نویسنده کدام یک از این سازهاست تقریباً غیرممکن است. گو اینکه با توجه به مهارت عبدالله بن جعفر در عودنوازی، به احتمال بسیار مقصود ابن عبدربه هم در این قسمت همان ساز عود باشد (ابن عبدربه، ۱۹-۲۱).

از آنچه ذکر کردیم روشن می‌شود که بین سازهای موسیقی، عود جایگاه بالاتری میان مردم و درباریان داشت و زنان هم بیشتر به نواختن عود تمایل نشان می‌دادند. ابن عبدربه همچنین بیشتر به ذکر هنرمندانی پرداخته که عودنواز بودند و از سازهای دیگر مطالبی نیاورده است.

### نتیجه

ابن عبدربه اندلسی در «الیاقوتة الثانية» عقیده دو گروه موافق و مخالف موسیقی و هنرهای برگرفته از آن را بیان می‌کند و در مجموع سه استدلال به سود جواز موسیقی فراهم می‌آورد: نخست، استدلال از طریق پیوند جواز و عدم جواز با شهرها و فرهنگ حاکم بر آنها و تقدم فرهنگ حجاز برای حکم به جواز؛ دوم، استدلال از طریق فواید موسیقی برای جسم و روح که عالمان مسلمان هم آن را تایید می‌کردند؛ سوم، استدلال از طریق پیوند شعر و موسیقی و استناد به شواهد مؤید شعر. از رابطه شعر و موسیقی در العقد الفرید می‌توان نوع موسیقی محل توجه و علاقه دربار و جامعه و خود ابن عبدربه یعنی «موسیقی آوازی» را که حاصل پیوند موسیقی و شعر است دریافت. گویا وی در پی آن بوده است که با بررسی آراء مخالف جواز موسیقی کفه ادله را به سود جواز آن سنگین‌تر کند و از این طریق توجیه و مبنایی برای اختصاص بخشی از اثرش، العقد الفرید، به موسیقی فراهم آورد.

ابن عبدربه موسیقیدان‌ها را در دو گروه درباری و غیردرباری جای می‌دهد و اسامی ۷۷ هنرمند مرد و زن را برمی‌شمرد. وی روابط خلفای اموی و عباسی را با موسیقی دانان نیکو جلوه می‌دهد و مشکلات میان آنها و خلفا را پوشیده نگاه می‌دارد.

۱. معزفه «از صدر اسلام به بعد در سرتاسر کشورهای اسلامی رواج داشته و عبارت بوده است از جعبه‌ای که سیم‌هایی روی آن کشیده شده بود و با لمس کردن این سیم‌ها (اوتار مطلقه) به صدا درمی‌آمده است». این ساز بیشتر در میان درباریان و طبقات ثروتمند جامعه رواج داشت (وجدانی، ۲/۱۰۱۳).

موسیقی‌دانانی که با درباریان مراوده داشتند، جزو هنرمندان درباری محسوب می‌شدند و موسیقی‌دانانی که از وابستگان حکومت نبودند گروه هنرمندان غیردرباری را تشکیل می‌دادند. ۶۷ هنرمند مذکور در الیاقوتة الثانية مرد و ۱۰ هنرمند زن هستند. ابن عبدربه مردان موسیقی‌دان هر دو گروه را مغنی و شاعر، زنان موسیقی‌دان درباری را جاریه و زنان موسیقی‌دان غیردرباری را مغنیه می‌نامد و هم به فعالیت‌های هنری مردان و هم به فعالیت‌های زنان توجه می‌کند، اما به نام زنان در مقایسه با مردان کمتر اشاره کرده است. خلفا در نگاه ابن عبدربه دوستدار هنر و هنرمندان توصیف شده‌اند: آنان با موسیقی‌دانان و هنرمندان به نیکی رفتار می‌کردند و در مجالسی که ترتیب می‌دادند، برای موسیقی‌دانان، هدایا و پاداش‌های درخور توجه در نظر می‌گرفتند.

در میان شمار انبوه سازهای رایج آن زمان، ابن عبدربه فقط از عود، دف و مزمار نام می‌برد. در درجه اول تمرکز او بر ساز عود است. وی عود را برترین ساز آن دوران می‌داند که گستردگی بسیاری میان نوازندگان داشت. پس از عود از سازهای تار، دف و نی سخن به میان می‌آورد.

تصویری که ابن عبدربه از موسیقی و جنبه‌های مختلف آن در شرق جهان اسلام (اختلاف نظرها در باب جواز و عدم جواز، پیوند شعر و موسیقی و نوع موسیقی آوازی مورد اقبال جامعه، مشارکت هر چند نابرابر مردان و زنان در فعالیت موسیقایی، مناسبات دربار و جامعه در موضوع موسیقی، و انواع سازهای رایج در آن روزگار) برای مخاطبان غرب جهان اسلام فراهم می‌آورد، امروزه یکی از مهم‌ترین منابع آگاهی ما از نگرش به موسیقی در جامعه در دوره اموی و عباسی است؛ دوره‌ای که آن را عصر رنسانس/ احیای فرهنگی خوانده‌اند و البته به سهم موسیقی در آن کمتر توجه شده است.

## منابع

قرآن کریم.

ابن سعد، محمد بن سعد واقدی، طبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۴، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان (نسخه دیجیتالی).

ابن خلکان، احمد، وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، به کوشش احسان عباس، ج ۱، بیروت: دارالثقافه، ۱۹۸۵.

ابن دحیه، عمر بن حسن، المطرب من اشعار اهل المغرب، به کوشش ابراهیم آبیاری و دیگران، بیروت: دارالعلم للجمع، ۱۹۵۴.

- ابن ظافر، علی، بدائع البدائنه، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالعلم، ۱۹۷۰.
- ابن عبدربه، احمد بن محمد، العقد الفرید، به کوشش مفید محمد قمیحه، ج ۷، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۳.
- ابن فرضی، عبدالله بن محمد، تاریخ علماء آندلس، به کوشش بشار عواد معروف، ج ۱، تونس: دارالغرب اسلامی، ۲۰۰۸.
- ابن هشام، عبدالملک، سیره النبویه، ترجمه هاشم رسولی، ج ۲، تهران: کتابچی، ۱۳۷۵.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، الأغانی، به کوشش احسان عباس و دیگران، بیروت: دار صادر، ۲۰۰۸.
- ایرانی، اکبر «موسیقی و شعر سیاسی در دوره امویان»، آئینه میراث، س ۵، ش ۱ و ۲، ۲۰۱ - ۲۲۴، بهار و تابستان ۱۳۸۶.
- بیژنی، لیل، عنایت الله فاتحی نژاد، «کتاب العقد الفرید از ابن عبدربه در ترازوی نقد»، مطالعات نقد ادبی، س ۱۳، ش ۴۷، ۳۵-۵۹، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
- بینش، تقی، هومان اسعدی، «بربط»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۶، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی ۱۳۸۱.
- حاج منوچهری، فرامرز، «حسن بصری»، ج ۲۰، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۲.
- حموی، شهاب الدین ابی عبدالله، معجم البلدان، ج ۲، مکتبه الالکترونیه الشامله لرفع و نشر الکتب. حمیدی، محمد، جدوه المقتبس، به کوشش ابراهیم ایباری، بیروت: دارالغرب اسلامی، ۱۹۸۳.
- خضری، بابک، «زریاب»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۱، تهران، ۱۳۹۵.  
<https://rch.ac.ir/article/Details/14574>
- خضری، احمد رضا، «زریاب و نقش او در انتقال موسیقی و رسوم ایرانی به اسپانیای اسلامی: اندلس»، در هنرهای زیبا، ش ۲۲، ۱۰۷-۱۱۲، تابستان ۱۳۸۴.
- خضری، احمد رضا، حلیمه جعفرپور نصیر محله، «پایگاه اجتماعی موسیقی بغداد قرون دوم و سوم هجری»، مطالعات تاریخ اسلام، س ۱۱، ش ۴۰، ۸۵-۱۰۲، بهار ۱۳۹۸.
- خضری، احمد رضا، حلیمه جعفرپور نصیر محله، «عوامل رونق و شکوفایی موسیقی در عصر عباسی از آغاز تا تسلط آل بویه بر بغداد»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، س ۲۵، ش ۲۵، ۳۵-۵۶، بهار ۱۳۹۴.
- خضری، احمد رضا، حلیمه جعفرپور نصیر محله، «موسیقی در دربار خلفای عصر اول عباسی»، هنرهای زیبا - هنرهای نمایشی و موسیقی، دوره ۱۹، ش ۲، ۱۷-۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
- ذهبی، محمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعیب ارنووط، بیروت: مدرسه الرساله، ۱۹۸۴.
- زرکلی، خیرالدین، الاعلام قاموسی تراجم، ج ۵، بیروت: دارالعلمه للملایین، ۲۰۰۲.
- سپهری، محمد، «موسیقی حجاز در عصر امویان»، پژوهش نامه تاریخ اسلام، س ۳، ش ۹، ۱۳۵ - ۱۵۱، بهار ۱۳۹۲.

- شریفی، حمید، «نگرشی نو به پیدایش نظم تعلیمی در ادبیات عرب «عصر عباسی»، مطالعات نقد ادبی (پژوهش ادبی)، ش ۲۱، ۱۸۳ - ۲۰۳، زمستان ۱۳۸۹.
- طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الرسل الملوك)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، نشر الکترونیک، ۱۳۸۹.
- فارمر، هنری جورج، تاریخ موسیقی خاور زمین، ترجمه بهزاد باشی، تهران: انتشارات معین، ۱۳۹۹.
- فارمر، هنری جرج، تاریخ الموسيقى العربیه، ترجمه حسین نصار، قاهره: مرکز القومي للترجمه، ۲۰۱۰ م.
- فارمر، هنری جرج، تاریخ موسیقی خاور زمین «ایران بزرگ و سرزمین‌های اسلامی»، ترجمه بهزاد باشی، تهران: آگاه، ۱۳۶۷.
- فارمر، هنری جرج، دراسات فی الموسیقیه الشرقیه، ترجمه امانی المیناوی، قاهره: مجلس الأعلى للثقافته، ۲۰۰۵ م.
- فروخ، عمر، تاریخ الادب العربی العصر العباسیه، بیروت: دارالعلم الملايين، ۲۰۰۸.
- قطاط، محمود، «زریاب: استاد موسیقی اندلسی»، ترجمه مصطفی اسلامی، پیام یونسکو، ش ۲۶۶ - ۲۶۷، ۱۰۷ - ۱۱۲، مرداد و شهریور ۱۳۷۱.
- لسانی فشارکی، محمدعلی، «ابن عبدربه»، دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، تهران: مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
- مشحون، حسن، تاریخ موسیقی ایران، تهران: سیمرغ، ۱۳۷۳.
- مقری، احمد بن محمد، نفع الطیب من غصن الأندلس الرطیب، تحقیق یوسف بقاعی، ج ۳، بیروت - لبنان: دارالفکر، ۱۴۱۹.
- نظام طهرانی، نادر، «عدی بن زید العبادی: شاعر الحکمه فی الجاهلیه»، التراث الأدبی، س ۲، ش ۵، ۱۶۹ - ۱۷۵، ۱۳۸۸.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (ابن واضح)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، ج ۲، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- وجدانی، بهروز، فرهنگ جامع موسیقی ایرانی، ج ۱ و ۲، تهران: گندمان، ۱۳۸۶.